

مطبوعات سرزمین گرگان*



رحمت الله رجایی**

«در صفحات مازندران و استرآباد، کمال امنیت حاصل است و مردم نهایت آسایش را دارند ...» شاید به توان گفت این نخستین جمله‌ی خبری بود که در نشریه وقایع اتفاقیه به چاپ رسید. اگر چه همواره اخبار ایالت و ولایت به مرکز ارسال می‌شد ولی چاپ آن‌ها بر روی کاغذ، شکل جدید و مدرن اطلاع‌رسانی بود که برای نخستین بار در عصر قاجار در ایران رایج شد.

*اصل این مقاله
متعلق به مرکز
دانش نامه گلستان
است که بخش‌هایی
از آن، در این جا
منتشر می‌گردد.

**رحمت الله رجایی
کارشناس ارشد
تاریخ

«بهار مطبوعات ایران در زمستان ۱۲۱۵ خورشیدی در تهران آغاز شد. با انتشار پیش شماره مشهور به «کاغذ اخبار» در دوره پادشاهی محمدشاه و صدارت ملا عباس ماه کوی، معروف به میرزا آغاسی ایروانی، حیات روزنامه نگاری به مفهوم امروزی در ایران بنیاد گرفت. از اولین نشریه‌ی ایران با عنوان‌های کاغذ اخبار، اخبار، اخبار و وقایع شهر، نشریه میرزا صالح، روزنامه بی‌نام و اولین روزنامه‌ی ایران یاد می‌شود. بنابر نوشته‌ی خارجیانی که در آن روز در ایران بوده‌اند، نشریه به مدیریت میرزا محمد صالح شیرازی کازرونی یا به قولی کازرونی، ۳ سال انتشار یافت. مدیر تحریریه و دستیار اول او در انتشار اولین نشریه ادواری چاپ ایران، محمدجعفر شیرازی (برادر میرزا صالح) و مدیر چاپخانه و چاپکار آن میرزا اسدالله فارسی (باسمه‌چی) بودند. نخستین نشریه‌ی ایران در ۴ صفحه با قطع ۲۴×۴۰ منتشر شد. صفحه‌ی اول و چهارم آن سفید و مطالبش در یک رویه کاغذ و در صفحه‌ی دوم و سوم به چاپ می‌رسید.»

در عهد ناصری، میرزا تقی خان امیرکبیر، روزنامه‌نگاری فارسی را بنیاد گذارد. امیر با وقوف به روحیات شاه، به شکلی که وی به این نهاد اطلاع‌رسانی حساس نشود، کار را به سامان رساند. انتخاب نام روزنامه‌چه «اخبار دارالخلافة» و «طهران» و سپس روزنامه «وقایع اتفاقیه»، گستره‌ی روزنامه در شماره نخست، در شهر و از شماره دوم، توسعه کشوری آن هم نشان از درایت امیر دارد تا شاه جوان را به مرور با این مقوله آشنا کند.

انتشار نشریه در ایالت یا ولایت استرآباد مثل برخی دیگر از مظاهر تمدنی، دیرتر به راه افتاد. هم‌چنان که گفته شد اولین نشریه در ایران در سال ۱۲۱۵ منتشر گردید ولی نخستین نشریه در سرزمین گرگان در سال ۱۳۱۴ (تقریباً یک صد سال بعد) انتشار یافت. در همین سال اولین شماره روزنامه اطلاعات منتشر شد که متأسفانه باید گفت، هنوز سرزمین گرگان (استان گلستان) روزنامه به معنی واقعی ندارد!؟

روزنامه نگاری در سرزمین گرگان را می‌توان به چند دوره تقسیم بندی کرد:

(۱) دوره آغازین

(۲) نشریات گرگان در فاصله سال‌های ۳۲-۱۳۲۰

(۳) فعالیت مطبوعاتی در فاصله سال‌های ۵۷-۱۳۳۲

(۴) مطبوعات گرگان و دشت در فاصله سال‌های ۶۰-۱۳۵۷

(۵) مطبوعات گرگان و دشت در سال‌های ۷۶-۱۳۶۰

(۶) مطبوعات استان گلستان در سال‌های ۸۴-۱۳۷۶

(۷) مطبوعات استان گلستان در سال‌های ۹۲-۱۳۸۴

۱- دوره‌ی آغازین

الف) ارسال خبر:

نخستین شکل فعالیت روزنامه‌نگاری در ایالت استرآباد را می‌توان به شکل ارسال خبر از طریق مأموران حکومتی یافت. آن‌ها بر اساس وظیفه‌ای که داشتند، مطالبی را تهیه و از طریق خدمه یا چاپار دولتی، به تهران ارسال می‌کردند تا در نشریات آن زمان چاپ شود. از این نوع خبرها در نشریات عصر ناصرالدین‌شاه و دوران پس از آن بسیار می‌توان یافت. وقایع اتفاقیه در اولین شماره‌ی خود، از رفتن چاپار از دارالخلافه به استرآباد در اول و پانزدهم هر ماه و بازگشت آن‌ها در چهاردهم و بیست‌ونهم خبر می‌دهد.

این نشریه در نمره‌ی دوم، به تاریخ جمعه یازدهم شهر ربیع الثانی ۱۲۶۷ می‌نویسد: «در صفحات مازندران و استرآباد، کمال امنیت حاصل است و مردم نهایت آسایش را دارند. نواب شاهزاده مهدی‌قلی میرزا، حاکم مازندران هم در انتظام امورات ولایات متعلقه به خود، بسیار سعی می‌باشند، سواره عبدالملکی و خواجه وند و نوکر طالش را این روزها باری احضار نموده و سان دیده، مواجب داده و مرخص نمود.»

وقایع اتفاقیه در روز پنج‌شنبه ۱۶ شوال ۱۲۶۷ق در خبری از استرآباد نوشت: «عالیجاه محمدرولی خان بیگلربیگی از قراری که نوشته‌اند قلعه خواجه‌نفس را تمام کرده و عالیجاه حمزه‌خان انزانی را به مستحفظی آن جا گذاشته بود و بعد از اتمام سنگر دورادور، در پنجم ماه رمضان به سریند گرگان رفته و عمله به جهت ساختن بند مزبور گذاشته‌اند و روزی صد نفر مشغول کار هستند، اما هنوز به اتمام نرسیده، طایفه‌ی ترکمان کنار گرگان هر خانواری یک بار جو و گندم به قشون پادشاهی داده‌اند و امنیت آن جا به طوریبست که یک نفر از اردو به استرآباد و از استرآباد به اردو آمد و رفت می‌نمایند و اگر مالی از اردو در صحرای ترکمان کم بشود، ترکمانان پیدا نموده، می‌آورند و در اردو جار کشیده به صاحبش می‌رسانند و عالیجاه نجفقلی خان با ۲۰۰ نفر نوکر ابواب جمعی خود در هجدهم ماه رمضان و به جهت تحفظی قلعه سلطان آباد رفته است و امورات آن صفحات منتظم است. نظم دادن در سرحدی که جای نشیمن طوایف ترکان و الامان می‌باشد، در هر ایام، در دولت ایران از برای سلاطین سلف امر مشکل بوده و در این اوقات از اهتمام اولیای دولت علیه، نظمی در این سرحد گذاشته شده و بعضی از طوایف مزبور به اطاعت و انقیاد درآمده‌اند و امید هست که روز به روز نظم و امنیت آن جاها بیشتر شود.»

از این نوع اخبار در وقایع اتفاقیه، بسیار می‌توان یافت که گزارش ارسالی حکام محلی است. علاوه بر این نشریه، دیگر مطبوعات نیز گزارش‌هایی از استرآباد چاپ کردند. ایران در شماره‌ی هفتم، به تاریخ دوشنبه ۳ صفر ۱۲۸۸ق، در نخستین اخبار تلگرافی داخله، در خبری از استرآباد نوشت: «مورخه ۲۳ محرم به واسطه صاعقه و برق، سیم اتصالات دستگاه خراب شده و سوخته است و دستگاه ضایع شده، به نتیجه مخایره نمی‌شود و به جهت اصلاح آن، مأمور روانه شده است.» علاوه بر نشریات حکومتی، نشریات غیرحکومتی و حتی نشریات منتشره در دیگر ایالات، اخبار و

تحولات مربوط به استرآباد را چاپ و منتشر می کردند، چنانچه «انجمن»، ارگان انجمن ایالتی تبریز در سال سوم، تلگراف مشروطه خواهان استرآباد خطاب به محمدعلی شاه را به چاپ رساند. یکی از وقایع روزگار قاجار، حضور جرج ناتانیل کزن، خبرنگار روزنامه تایمز لندن و ارسال هفده عدد نامه بود که به تناوب از نوامبر ۱۸۸۹ تا اوایل ۱۸۹۰م در آن چاپ شد.

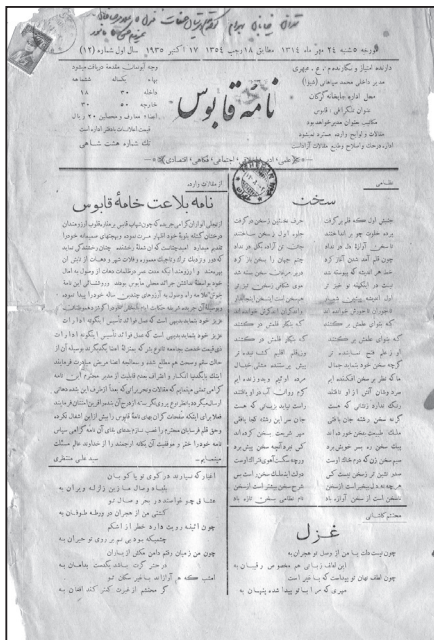
ب) توزیع

از آغاز انتشار نشریه در ایران، به ویژه وقایع اتفاقیه، این مطبوعه به استرآباد نیز می آمد. «یکی از اقدامات میرزاتقی خان امیرکبیر، اجبار در اشتراک روزنامه بود و افزون بر کارگزاران حکومت و دولتیان، سران ایلات و طوایف نیز ملزم بوده اند که روزنامه را مشترک شوند و حق اشتراک آن را

به جبر بپردازند.» همین امر سبب شد تا از آن‌ها به «زورنامه» تعبیر شود. این نشریات در سطح عام توزیع نمی شد، ولی حکام ولایات و ایالات ملزم به دریافت آن‌ها و پرداخت هزینه‌های شان بودند.

محمد صدر هاشمی، خبر از توزیع و ارسال نشریات عصر ناصری برای ۱۱۰۰ نفر می دهد که ۳۴ نفر آن‌ها در استرآباد ساکن بودند. افزون بر این، در این ایالت، نشریاتی از دیگر ممالک در حد بسیار محدود توزیع می شد و یا به شکلی به دست افراد خاص می رسید. این مسأله آنچنان اهمیت داشت که وکیل الدوله مقصودلو، مخبر دولت انگلستان در استرآباد، گزارش‌هایی پیرامون مطالب آن‌ها به تهران مخابره کرده است.

وی در یکی از گزارش‌های خود می نویسد: «از قراری که روزنامه روسی خبر داده، وزیر جنگ دولت روس، ۱۴م مارس روسی، برای بازدید



صفحه نخست شماره ۱۲ نامه قابوس، ۲۴ مهر ۱۳۱۴.

(آرشیو: آقای محمدتقی عیبری)

سرحداث قفقاز و شرقی بحر خزر، حرکت خواهد کرد. گنبد قابوس را ملاحظه نموده، مراجعت از راه حسینقلی و کراسنودسکی به سمت عشق آباد می روند ...»

وکیل الدوله در گزارش دیگری که در سال ۱۹۱۳م مخابره می کند، این گونه می آورد: «به موجب [نوشته] روزنامه ارامنه و ترکی، چندی است اعلی حضرت با عیال و اطفال ناپدید است. افواهاً می گویند عزیمت به ایران نموده» و گزارشی از تحولات روسیه که وکیل الدوله از طریق روزنامه «بادکوبه» خوانده و به موجب وظیفه، خود را ملزم به ارسال گزارش آن می داند: «به موجب خبری که از بادکوبه و در روزنامه مندرج است، در این چند روز قبل، سکنه بزرگی به قشون روس وارد

شده است. چند نفر ارمنی تبعه‌ی ساکن استرآباد را مجبوراً به جنگ می‌برند.»
 همچنین می‌نویسد: «روزنامه‌ی روس گاهی اظهار برای قرارداد روسیه و ایران می‌نماید.» این مطالب حکایت از آن دارد که وکیل‌الدوله مقصودلو، به مطالب روزنامه‌های روسی در استرآباد دسترسی داشته و آن‌ها را می‌خواند و گزارش می‌کرد.
 همچنین لابه‌لای دیگر گزارش‌های وی، سخن از نشریات ایرانی است که نشانگر توزیع آن‌ها در منطقه استرآباد بود.

در یکی از گزارش‌های سال ۱۹۱۴م وکیل‌الدوله، نامی از روزنامه «برق» آمده و در آن به گرفتن رشوه اشاره شده است: «چون شیخ محمدباقر فاضل به حمایت قنسول روس در خاک کتول و قراء شیرنگ و سرکان و صحرای یموت که محل سکونت تراکمه داز است، دو کروور متجاوز قیمت دارد. خودسرانه با روس‌ها اجاره و فروش نموده است و صاحبان ملک کراراً به حکومت استرآباد تظلم نموده، به واسطه گرفتن صد مناتی‌های روس، احقاق حق مردم را می‌کند، لهنذا هفته گذشته، روزنامه برق شرحی از حرکات ایالت و گرفتن رشوه از شیخ مذکور شکایت کرده است. ایالت محرمانه عدالسلطنه مذاکره نموده، تصدیقی بر ضد عنوانات روزنامه برق نوشته، علمایان و تجار استرآباد امضا نموده، برای وزارت داخله بفرستند، دو نفر از علمایان نوشته را به توسط رئیس کابینه امضا کرده، تجار امضا نکردند، جواب دادند چون می‌دانیم چند فقره در کارهای مردم ظلم شده و احقاق حق از طرف ایالت نشده است.»

وکیل‌الدوله مقصودلو درباره‌ی حوادث سال ۱۹۲۱م، به هنگام وقوع کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش، شرحی از حوادث مشهد می‌دهد و می‌نویسد: «یک نمره روزنامه، شرحی از گرفتن قوام‌السلطنه و رئیس تلگراف مشهد و حاج ملک‌التجار که به سختی آن‌ها را مغلوباً به تهران برده‌اند، نوشته‌اند. قائم مقام از این خبر متوحش گردید. به عنوان تفرج و رسیدگی به امورات جعفریایی بهانه کرده، روز ۱۴ ماه اپریل با چند نفر اجزای شخصی به جعفریایی می‌روند.»

علاوه بر موارد گفته شده، درباره‌ی توزیع نشریات در استرآباد، می‌توان به گزارشی از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در برج سنبله پیچی‌نیل ۱۲۹۹ که صورت مطالبات اداره روزنامه ایران از مشترکین تا آخر برج اسد پیچی‌نیل ۱۲۹۹ را نوشته، استناد کرد که طلب اداره روزنامه ایران از مشترکین استرآباد را مبلغ ۱۶۰ و قروض اداره به مشترکین بندر جز را مبلغ ۷ ذکر می‌کند. همچنین «تعدادی از نسخه‌های روزنامه نسیم شمال ۴برگی اشرف‌الدین گیلانی (قزوینی) به استرآباد می‌آمد و به دست مجاهدین می‌رسید و آتش اعتراضات آن‌ها [مردم] را تندتر می‌کرد.»

ت) نخستین تلاش‌ها برای انتشار نشریه در استرآباد:

براساس اسناد منتشره، نخستین تلاش‌ها برای انتشار نشریه در استرآباد در سال ۱۳۰۳ش، توسط کربلایی علی اصغر تقی‌آف صورت گرفت که احتمالاً به رغم فراز و نشیب‌های متعدد، سرانجامی ناموفق داشت. در سال ۱۳۰۳ش، وی خطاب به ریاست جلیله معارف استرآباد، تقاضای صدور امتیاز روزنامه‌ای موسوم به «جهان» را می‌نماید.

او در تقاضانامه‌ی خود می‌نویسد:

اسم بنده (که مدیر مسئول هستم) علی اصغر تقی‌آف و محل اداره روزنامه، مدرسه سردار واقع در محله نعلبندان شهر استرآباد است.

چون در این شهر بدبختانه هیچ قسمی از مطابع موجود نیست، بالاجبار با اسباب ژلاتینی طبع روزنامه کرده و در آتیه کوشش خواهیم کرد و بلکه به برآوردن مطبعه که از هر سیستم باشد، بتوانیم موفق باشیم.

عنوان روزنامه هفتگی است و هر هفته روزهای شنبه انتشار خواهد یافت. عده چاپ هر نمره، صد نسخه خواهد بود.

مسلك روزنامه، طرفداری از آزادی وطن عزیز، به ویژه قسمت‌های اخلاقی این روزنامه، ادبی و فکاهی و اخبار است.

لازم به یادآوری است تقی‌آف از طبقه متوسط بوده و در معرفی خود می‌نویسد: «ایرانی و تبعه دولت علیه ایران هستم. سن ۳۲ سال، تاکنون مرتکب جنحه و جنایت نشده و به حمدالله مشهور به فساد عقیده و فسق نبوده‌ام. در هیچ اداره مستخدم نیستم که مراتب فوق مورد تأیید حبیب‌الله مقصود [احتمالاً مقصودلو] از معاریف استرآباد قرار می‌گیرد.»

اما پس از ارسال تقاضا به تهران، شورای عالی معارف، به وجود کلمه «آف» در فامیلی وی ایراد می‌گیرد و اعطای امتیاز روزنامه را منوط به حذف آن کلمه می‌کند که در نتیجه، تقاضا نامه‌ای جدید با تعویض اسم با نام علی اصغر شفیعی به تهران ارسال می‌شود و روزنامه نیز از «جهان» به «جرجان» تغییر نام می‌یابد.

آجودان قسمت قشون و رئیس تشکیلات نظمی استرآباد در این باره می‌نویسد: در تبعیت مشارالیه [علی اصغر شفیعی] شکی نیست که ایرانی نژاد و ایرانی است، ولی مقتضی می‌داند قبلاً تعیین نماید که شخص مذکور با چه وسیله قصد طبع و نشر روزنامه دارد.

در ۲۴ مرداد ماه ۱۳۰۴، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نوشت: «مقام وزارت جلیله متبوعه دامت شوکت. آقای کربلایی علی اصغر شفیعی استرآباد به وسیله معارف محل، تقاضای امتیاز جریده به نام جرجان را نموده که در استرآباد با مسلك طرفداری آزادی وطن، اخلاقی، ادبی، فکاهی و اخباری منتشر نماید و بر طبق ماده ۶ قانون انطباعات، اسناد و مدارکی که دلالت بر بلوغ سن و عدم ارتکاب جنحه و جنایت دارد، تهیه کرده که عیناً از لحاظ مبارک می‌گذرد، چون اداره کل معارف مطابق اسناد محوطه مشارالیه را واجد شرایط جریده‌نگاری تشخیص داد، لهذا پیشنهاد می‌نماید که مقرر دارند برای تصویب به شورای عالی معارف ارسال گردد.»

ث) نامه قابوس؛ اولین نشریه گرگان زمین

از انتشار نخستین نشریه در سرزمین گرگان، اطلاعات موثقی در دست نیست. سیدمحمدکاظم مداح در این باره می‌گوید: بولتن یا خبرنگار بدون عنوان چاپخانه گرگان، که در قطع ۲۴×۴۵ به صورت چاپ سنگی در سالگرد تأسیس چاپخانه ریحانی، مقارن با بیست و چهارمین سالگرد

مشروطیت در ۱۴ مردادماه ۱۳۰۹ چاپ و توزیع شد، اولین نشریه است. این نشریه اجمالاً از سران مشروطه در صفحه دوم؛ شیخ محمدحسین مقصودلو، سردار محیی، میرزا کوچک خان و تلو یحیی از روحانیت گرگان به احترام نام برده و بین مدعوین از طبقات مختلف، شامل معاریف، بزرگان، روحانیون، رؤسای ادارات، نظامی و انتظامی که در جشن حضور داشتند، منتشر شد. از جمله کسانی که می‌توان او را پیشگام در انتشار نشریات در منطقه گرگان و دشت دانست، میرزا محمدعلی خان عبهری فرزند صادق سپهر است که توانست نشریه «نامه قابوس» را منتشر کند. نامه‌ی قابوس از جمله نخستین نشریاتی است که در سال ۱۳۱۴ ش در منطقه گرگان و دشت منتشر شد. نام نشریه برگرفته از اسم قابوس، یکی از سلاطین آل زیار است که برج بلند آن در شهر گنبدکاووس معروف است. امتیاز نامه‌ی قابوس در تاریخ ۱۳۱۳/۱۰/۲۹ با امضای علی اصغر حکمت- وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه- به نام میرزامحمدعلی خان عبهری صادر شد. (نک: نامه‌ی قابوس)

۲) نشریات گرگان در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰

در فاصله سال‌های ۳۲-۱۳۲۰، نشریات منتشره در پایتخت، در منطقه گرگان و دشت نیز توزیع می‌شدند. با سقوط دولت رضاشاه و ایجاد فضای باز سیاسی، زمینه برای شکل‌گیری و انتشار هرچه بیشتر مطبوعات فراهم شد. به همین سبب، در فاصله این سال‌ها، شاهد انتشار مطبوعات متعدد بوده‌ایم که عبارتند از:

ندای گرگان: این هفته‌نامه به دو زبان فارسی و ترکمنی در فاصله سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۴، با روش سیاسی، خبری و به صاحب امتیازی احمد قاسمی منتشر می‌شد و ارگان حزب توده در سرزمین گرگان بود.

آذر گرگان: هفته‌نامه‌ای با روش سیاسی، اجتماعی و خبری، به صاحب امتیازی علی اصغر کشاورز، که در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ منتشر می‌شد.

پیام گرگان: این هفته‌نامه در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۰ با روش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به صاحب امتیازی عباس مهرآیین منتشر می‌شد.

آسمان گرگان: صاحب امتیاز آن حسین حسینی بود.

قیام شمال: به صاحب امتیازی عبدالله شرفی‌ها، در فاصله سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۰ منتشر می‌شد.

جرجان: به مدیریت و مسئولیت ابراهیم مفیدی منتشر می‌شد.

رستاخیز گرگان: هفته‌نامه‌ای به صاحب امتیازی سیدصادق میرشهیدی بود.

رهبر ما: به صاحب امتیازی حسن خلیلی گرگانی منتشر می‌شد.

صدای گرگان: به صاحب امتیازی علی اکبر رهبر منتشر می‌شد.

اصناف گرگان: به صاحب امتیازی محمدابراهیم برادران، رئیس انجمن شهر گرگان، در سال ۱۳۳۰ منتشر شد.

برای شمال: این نشریه توسط عزیزالله وحید صفت در گرگان منتشر می‌شد.

گرگان: نشریه گرگان در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰، به مدیر مسئولی جعفر طاهری منتشر می‌شد.

گرگان ما: این نشریه توسط حسین فلسفی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ منتشر می‌شد. **ندای ترکمن (ترکمن سی سی):** ارگان حزب توده در ترکمن صحرا که در ۱۳۲۵ به زبان ترکمنی منتشر می‌شد.

اتحاد تراکمه: شماره نخستین آن در سال ۱۳۲۲ش منتشر شد.

۳) فعالیت مطبوعاتی در فاصله سال‌های ۵۷-۱۳۳۲

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، پایانی بر فضای باز سیاسی ایران و آغاز دیکتاتوری محمدرضا پهلوی بود. پس از کودتا، احزاب تعطیل و از انتشار مطبوعات آزاد و مستقل جلوگیری به عمل آمد. از این رو، رونق چندانی در فعالیت‌های مطبوعاتی دیده نمی‌شود.

نوازش و انتشار شمال ایران

فعال‌ترین چهره مطبوعاتی سال‌های پس از کودتا، منوچهر نوازش است. او اصالتاً آذربایجانی و دارای مدرک دیپلم بود. برادرش، پای نوازش را به گرگان کشاند. نوازش در سال ۱۳۴۲ش، با میهن‌دخت جرجانی، دختر محمدآخوند- از رهبران متنفذ ترکمن و نماینده مجلس شورای ملی- ازدواج کرد. همسر نوازش دارای دکترای پزشکی عمومی بود و گهگاه مطالبی از او در نشریه چاپ می‌شد. او هفته‌نامه «نهضت» را در ساری در سال ۱۳۲۶ و هفته‌نامه «شمال ایران» را در گرگان در سال ۱۳۴۲ منتشر کرد. شمال ایران، در قطع روزنامه و به صورت هفتگی و معمولاً در ۴ و ۸ گاه صفحه منتشر می‌شد. هیأت تحریریه نشریه زیر نظر ایرج فرزانه و مدیریت داخلی آن برعهده‌ی تقی رسولی بود. نشریه دارای دفتری در گرگان و گاه در ساری و تهران بود. منوچهر نوازش به علت نوشتن مقاله‌ای درباره‌ی تصاحب زمین توسط تیمسار مزین، نماینده‌ی تام‌الاختیار شاه در منطقه، به دادگاه کشیده شد و سرانجام پس از محاکمه در شهرهای گرگان و ساری، نشریه او توقیف شد. هفته‌نامه شمال ایران به همراه اخبار و مطالبی از جهان و ایران چاپ می‌شد. یک صفحه از این نشریه دارای خبرهای هفته همراه با عکس، که متعلق به مقامات طراز اول کشور بود و از خبرگزاری پارس گرفته می‌شد. در این نشریه، یک صفحه به مازندران و صفحه‌ای دیگر به گرگان و دشت اختصاص می‌یافت. شمال ایران، به منظور کسب درآمد و تأمین مخارج، اقدام به چاپ آگهی ثبتی نیز می‌کرد و دارای صفحه‌ای با نام نیازمندی‌های عمومی بود. این نشریه هر دو ماه یک بار، ضمیمه‌ای منتشر می‌کرد که «جنگ باران» ویژه‌ی هنر و فلسفه آن در سال ۱۳۴۶ منتشر شد.

۴) مطبوعات گرگان و دشت ۶۰-۱۳۵۷

سال ۱۳۵۷ در تاریخ ایران، سال مهم و متفاوتی بود. در این سال، با وقوع انقلاب اسلامی، رژیم سلطنتی پهلوی ساقط و فضای باز سیاسی در کشور برقرار شد. در پی این امر، زمینه برای فعالیت‌های مطبوعاتی فراهم شد. در منطقه گرگان و دشت، نشریاتی متنوع ولی نامنظم در مقیاسی

کوچک و محدود منتشر می‌شد که تعدادی از آن‌ها عبارتند از:

نیلکوه: ارگان کانون اسلامی روستای گالیکش که در سال ۱۳۵۸ منتشر می‌شد.

ندای ترکمن: هفته‌نامه‌ای با روش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به مدیر مسئولی حلیم بردی عادل و همکاری ابراهیم حسن بیگی در گرگان منتشر می‌شد و ارگان انجمن اسلامی ترکمن بود.

چکلش: نشریه اجتماعی شهرستان گرگان که در سال ۱۳۵۸ منتشر شد.

پیام مستضعفین: این نشریه، ارگان کانون فرهنگی اسلامی گرگان و دشت بود که با روش خبری، انتقادی، مذهبی و سیاسی در سال ۱۳۵۸ در گرگان منتشر می‌شد. پیام مستضعفین در روزهای شنبه در ۸ و گاه ۱۰ صفحه منتشر می‌شد و به قیمت ۱۵ ریال به فروش می‌رسید. این نشریه در ابعاد ۳۰×۴۵ و دارای کاغذ روزنامه‌ای بود، مطالب آن شامل مقالات سیاسی-اجتماعی، مذهبی و بزرگداشت مناسبت‌ها، متناسب با فضای انقلابی و پرتب و تاب جامعه ایران در سال‌های نخستین انقلاب بود. سردبیر آن، عابدین سلیمانی ایلوارین و صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن، محمدعلی روحانی فرد بود. (نک: روحانی فرد، محمدعلی)

کتاب فصل

«کتاب فصل» نامه کانون نویسندگان و شاعران گرگان و نشریه‌ای ادبی، اجتماعی، فرهنگی و علمی بود. نخستین شماره این نشریه در تابستان ۱۳۵۸ در ۱۴۰ صفحه در قطع رقیعی و با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه منتشر شد. در شماره اول «کتاب فصل»، مقاله‌ای از شولوخف، نویسنده معروف روس، قصه‌هایی از سیدحسین میرکازمی، امیرحسین چهل‌تن، اشعاری از حسین کاشانی‌راد، محمد قاری، باقر مؤمنی، منوچهر آتشی و هوشی مینه، همچنین نامه‌ای از ماکسیم گورکی و گوته، همراه با معرفی بنای تاریخی میل رادکان، چاپ شد. شماره دوم و سوم «کتاب فصل» در یک مجلد در بهار و تابستان ۱۳۵۹ و در ۲۰۶ صفحه انتشار یافت. شماره چهارم «کتاب فصل» در بهار ۱۳۶۰ در ۱۴۰ صفحه و در همان قطع منتشر شد.

فضای حاکم بر نشریه «کتاب فصل»، کاملاً روشنفکرانه و تحت تأثیر شرایط و تحولات سال‌های ۵۷ تا ۶۰ ایران بود. «کتاب فصل» هیچ ارتباطی با تشکیلات کانون نویسندگان ایران نداشت و فقط ارگان کانون نویسندگان و شاعران گرگان بود. این کانون در اسفند ماه ۱۳۵۷ تأسیس و در پانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ با انتشار اساسنامه، موجودیت و فعالیت خود را آغاز کرد. «کتاب فصل» زیر نظر شورای دبیران منتشر شد و گردانندگان آن، سیدحسین میرکازمی و محمد قاری بودند.

فصل گرگان

این نشریه به قطع وزیری، با تیراژ ۱۵۰۰ نسخه، فقط در یک شماره (تابستان ۱۳۶۹) منتشر شد. «فصل گرگان» ادامه «کتاب فصل» بود که در ۱۰۴ صفحه با مطالب مختلف از جمله مقاله، داستان، گفتگو و شعر انتشار یافت. فضای حاکم بر این نشریه، روشنفکری، اما متفاوت با سال‌های ۵۷ تا ۶۰ بود. در این نشریه، اسم سردبیر دیده نمی‌شود، اما گردانندگان آن سیدحسین میرکازمی، محمد قاری و محمد مهدی مصلحی بودند. علاوه بر مطبوعات، بعضی گروه‌های سیاسی هم نشریاتی منتشر می‌کردند.

۵) مطبوعات گرگان و دشت ۷۶-۱۳۶۰

حوادث به وجود آمده در سال ۱۳۶۰، سرآغاز دوره‌ی جدید در فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی بود. به دنبال شکل‌گیری فضای جدید در کشور، فعالیت‌های فرهنگی چندان رونق نداشت. در این فاصله، نشریه‌ای مستقل در سطح گرگان و دشت منتشر نمی‌شد. در این سال‌ها، به طور عمده، مطبوعات سراسری پیرامون این منطقه مطالبی را منتشر می‌کردند. البته برخی از سازمان‌ها و نهادهای آموزشی، نشریات اختصاصی خود را منتشر می‌کردند. «پیام منابع طبیعی» بولتن دانشکده منابع طبیعی گرگان بود که انتشار خود را از سال ۱۳۶۶ و «پیک خزر» به مدیرمسئولی محمداصداق صادقی، انتشار خود را در سطح شمال ایران از جمله گرگان در سال ۱۳۷۵ آغاز کرد. پیک خزر با زمینه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی در ۸ صفحه منتشر می‌شد. «جهان اقتصاد» راهنمای ویژه شرق مازندران، نشریه‌ای بود که از تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۷۳ کار خود را با انتشار ۴ صفحه آغاز کرد. موضوع جهان اقتصاد، بازرگانی و تجاری بود و از شماره ۲ که در دی‌ماه ۱۳۷۳ انتشار یافت، مطالب کوتاه و خواندنی نیز به آن افزوده شد. آخرین شماره این ویژه‌نامه، در بهمن‌ماه ۱۳۷۳ منتشر شد. جهان اقتصاد پس از پنج شماره متوقف شد.

«گرگان و دشت» ضمیمه هفته‌نامه اقتصادی-خبری «اقتصاد خراسان» بود که توسط عبدالناصر مهیمنی منتشر می‌شد. اولین شماره این نشریه در ۴ صفحه در خردادماه ۱۳۷۴ منتشر شد. گرگان و دشت دارای ابعاد ۲۹×۴۲ با کاغذ روزنامه‌ای بود. برخلاف «جهان اقتصاد»، «گرگان و دشت» دارای مطالب خواندنی بیشتری بود. در این نشریه، علاوه بر انتشار خبرهایی از گرگان و دشت، به معرفی آثار و ابنیه تاریخی و کتاب‌های منتشر شده درباره‌ی گرگان می‌پرداخت. «گرگان و دشت» در آغاز ۴ صفحه بود، پس از مدتی، به ۶ تا ۸ صفحه رسید و سرانجام در همان ۴ صفحه به انتشار خود ادامه داد. این نشریه ضمیمه، گاه دارای سرمقاله نیز بود. قیمت آن ۲۰ ریال و بعدها به ۱۰۰ ریال افزایش یافت. شماره ۱۷ و آخرین شماره این نشریه در بهمن‌ماه ۱۳۷۴ منتشر شد.

۶) مطبوعات گلستان ۸۴-۱۳۷۶

سال ۱۳۷۶ سرآغازی نوین برای انتشار مطبوعات در گرگان بود. دو رخداد مهم سبب شد تا عصر جدید مطبوعات در این منطقه آغاز شود. نخستین رویداد، تصویب لایحه تأسیس استان جدید در شرق مازندران توسط دولت هاشمی رفسنجانی و تصویب آن در مجلس پنجم بود که در نتیجه، منطقه گرگان و دشت به صورت استانی مستقل با نام «گلستان» درآمد. دومین رخداد، روی کار آمدن دولت سیدمحمد خاتمی در انتخابات دوم خردادماه ۱۳۷۶ و ایجاد فضای جدید در ایران بود. این رخداد سبب شد تا رویکرد نوینی در رسانه‌ها، از جمله مطبوعات ایجاد شود. به دنبال این امر، برخی از فعالان اجتماعی و فرهنگی استان در پی انتشار نشریه برآمدند که مطبوعات امروز استان گلستان برآمده از شرایط پس از دوم خرداد ۷۶ و تحولات پس از آن هستند. در این سال‌ها نشریات مختلفی منتشر شدند که عبارتند از: صحرا، گلستان ایران، یاپراق، گلستان نو، گلشن مهر، فراغی، سلیم، همزیستی، گرگان امروز، حریف، ندای جمعه، استرآباد، الکا، گلستان مهر، انقلاب،

پژواک سخن، عصر بیداری، آهنگ، فرهنگ گلستان، کاغذ شیشه‌ای، تار، میرداماد، استارباد، زیست آیین. برخی از این مطبوعات، انتشار منظمی ندارند و بعضی هم خود به خود، انتشار آن‌ها متوقف مانده است. دو نشریه گلستان ایران و گرگان امروز توقیف شده اند و فقط معدود نشریاتی هستند که انتشار منطقی دارند.

۷) مطبوعات استان گلستان در سال‌های ۹۲-۱۳۸۴

روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد و تفاوت دیدگاهی بین دولت سیدمحمد خانمی و دولت وی، بی تأثیر در فعالیت‌های رسانه‌های مکتوب نبود که همین امر سبب از تب و تاب افتادن دوران پرتحرک مطبوعاتی سال‌های ۸۴-۱۳۷۶ شده بود. نوع نگاه حاکم بر سال‌های ۹۲-۱۳۸۴ و تیم اداره‌کننده وزارت فرهنگ و ارشاد از جمله اداره کل فرهنگ و ارشاد استان گلستان، بسیاری از فعالان مطبوعاتی را از صحنه خارج کرد و سبب کاهش فعالیت مطبوعات جدی و رشد مطبوعات خنثی گردید!

منابع:

- بیات، کاوه، و کوهستانی‌نژاد، مسعود. (۱۳۷۲). اسناد مطبوعات ۱۳۲۰-۱۳۸۶ ش (چاپ اول). تهران: انتشارات سازمان ملی ایران.
- رجائی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). درآمدی بر روزنامه‌نگاری سرزمین گرگان. پیام بهارستان، ۴ (۴۰)، ۲۵-۲۰. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- رجائی، رحمت‌الله. (۱۳۷۸). پیش درآمدی بر پیشینه مطبوعات گلستان. گرگان: پیک ریحان.
- صدره‌اشمی، محمد. (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران (جلد ۲، چاپ ۲). اصفهان: کمال.
- صمدی، حسین. (۱۳۷۲). کتاب‌نامه مازندران. ساری: سازمان برنامه و بودجه استان مازندران.
- قاسمی، سیدفرید. (۱۳۸۵). سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمدشاه و ناصرالدین‌شاه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کرزن، جرج. (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران (جلد اول). (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی). تهران: علمی و فرهنگی.
- مداح، سیدمحمدکاظم. (۱۳۸۶). مصاحبه شخصی رحمت‌الله رجائی.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴). استرآباد و گرگان در بستر تاریخ. مشهد: درخشش.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد. گرگان: مختومقلی فراغی.
- مقصدولو، حسینقلی (وکیل‌الدوله). (۱۳۶۳). مخابرات استرآباد (جلد اول). (به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت). تهران: تاریخ ایران.